

مخالفان جنگ سرد مبدل کردند تا با هدف مشترک عقب‌نشینی به یک سیستم بین‌المللی تحت سیطره غرب، به شریک عملی تبدیل شوند. روابط آنها تاکتیکی و فرصت طلبانه است، اما با منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی به طور فزاینده سازگار است. هردو با به اشتراک گذاشتن یک جهان بینی ژئوپلیتیکی چندقطبی، عزم راسخی دارند که قدرت غربی را محدود کنند و به دنبال تسریع در آنچه آنها می‌دانند و آن تضعیف ایالات متحده است، باشند (Stronski & Ng, 2018).

ناتو به تعمیق همکاری با کشورهای همکار خود در آسیای مرکزی - قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان - ادامه می‌دهد. روابط هر کشور این منطقه با ناتو تحولات متفاوتی یافته است، زیرا شرکا آزاد هستند که چگونگی و اینکه در کدام زمینه‌ها مایل به همکاری با ناتو هستند را انتخاب کنند. در واقع، ساختارهای مشارکت و برنامه‌های همکاری ناتو، چارچوبی چندجانبه برای گفتگوهای امنیتی و فرصت‌هایی برای همکاری عملی دوجانبه در طیف گسترده‌ای از مناطق با کشورهای عضو ناتو و سایر کشورهای شریک ارائه می‌دهد. این باعث شفافیت و ایجاد اعتماد به نفس می‌شود و به رفع چالش‌های مشترک امنیتی می‌پردازد. این بخشی از سیاست ناتو برای دستیابی به مناطق مهم استراتژیک است که امنیت و ثبات آنها از نزدیک با امنیت گسترده‌تر اتحادیه اروپا اقیانوس اطلس مرتبط است (Partners in Central Asia, 2014). در نتیجه ناتو برای گسترش به شرق و کاهش حساسیت‌های روسیه، از سیاست مشارکت برای صلح بهره گرفته است، اهداف ناتو از این سیاست عبارتند از: (۱) کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را در مسائل امنیتی اروپا درگیر کنند و این را از طریق پذیرش مشارکت آنها و به هنگام تهدید، مشورت‌های مشترک با آنها انجام دهند؛ (۲) تبادل اطلاعات و توسعه همکاری‌های نظامی؛ (۳) در مواقع بحرانی، زمینه لازم برای عملیات حفظ صلح را به وجود آورند؛ (۴) ثبات منطقه را در راستای منافع و اهداف غرب، استحکام بخشند (Motaharniya, 2004).

دخالت و حضور ایالات متحده در مناطق مهم و راهبردی جهان، همچون آسیای مرکزی و قفقاز در راستای هژمونی طلبی ایالات متحده در جهان انجام